

پنجشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۹۹ ۴ شعبان ۱۴۴۲ ۱۸ مارس ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۶۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۲ • اذان مغرب ۱۸:۳۲

اذان صبح فردا ۴:۴۶ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا



در آستانه نوروز زنان اردبیلی در آیین نواوستی با در دست گرفتن جارو، قیچی و کوزه آرزوهای خود را به آب روان می‌سپارند. عکس: محمد دشتی، مهر

تلنگر

هوای هم را بیشتر داشته باشیم

می‌تواند در افزایش سرمایه اجتماعی که عامل مهم دیگری در تقویت همبستگی اجتماعی است، مؤثر واقع شود. طبق آنچه در دین اسلام بر آن تأکید شده، واگذاری مسئولیت و پذیرش مسئولیتی که تخصص و صلاحیتش را نداریم، هر دو، نوعی خیانت محسوب می‌شود که با اخلاق مغایرت دارد. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: اگر کسی شخصی را به‌عنوان رئیس بر چند نفر بگمارد و بداند در میان آنها یکی شایسته‌تر از او وجود دارد، به خداوند و پیامبر او و همه مسلمین خیانت کرده است. همچنین در جای دیگر می‌فرماید که اگر کسی کاری را ببیزد و بداند شایسته آن نیست، جایگاه او در قیامت آتش خواهد بود. بیاییم اخلاق را فقط در خلق خوش تقلیل ندهیم که خود نوعی ظلم است. بیاییم در سایه اخلاق، مردم‌داری را سرلوحه زندگی‌مان قرار دهیم. «همبستگی اجتماعی» شعار سال ۱۴۰۰ انجمن مددکاران اجتماعی ایران و حتی شعار سال جهانی مددکاران اجتماعی هم «همبستگی اجتماعی و اتحاد جهانی» نام‌گذاری شده است؛ زیرا بر این باوریم که «من هستم، چون ما هستیم». بحران‌های مختلف ازجمله «کرونا» اهمیت این مردم‌داری و بی‌تفاوت‌نبودن در قبال یکدیگر، فارغ از مرزهای جغرافیایی، نژادی و… را بیش‌ازپیش نشان داد. انسان اجتماعی نمی‌تواند نسبت به آنچه پیرامونش می‌گذرد، بی‌تفاوت باشد. در این صورت است که شعر حافظ شیرازی در جامعه مصداق پیدا نمی‌کند: یاری اندر کس نمی‌بینم، یاران را چه شد/ دوستی کی آخر


سیدحسین موسوی‌چلک
کمیسر اخلاق فدراسیون
جهانی مددکاران اجتماعی

بهارا تلخ منشن، خیز و پیش *آ/* کره واکن ز ابرو، چهره بگشا. سر و رویی به «سرو» و «یاسمن» بخش/ نوایی نو به مرغان چمن بخش. بهارا از گل و می، آتشی ساز/ پلاس درد و غم در آتش انداز. بهارا شور شیرینم برانگیز/ شرار عشق دیرینم برانگیز. بهارا زنده مانی، زندگی بخش/ به فروردین ما فرخندگی کنیم؛ موضوعی حلال که زمزمه گرم بهاران از دشت سپید زمان به گوش می‌رسد تا دل و جان‌مان را میزبان «خدای بهارآفرین» کنیم، فرصتی است تا یادآوری کنیم که «نوروز» همیشه حامل پیام‌های انسانی از قبیل ترویج مهربانی، نوع‌دوستی، مردم‌داری، نشاط و… بوده و هست. صدای کوبه «عمو نوروز» را بپاانه کنیم تا به خود قول دهیم که اخلاقی‌تر زندگی کنیم؛ موضوعی که ترویج آن فلسفه بعثت پیامبر اکرم (ص) اعلام شده است. اخلاقی که می‌تواند مهم‌ترین عامل تقویت پیوند و همبستگی اجتماعی باشد و بی‌دلیل نیست که خداوند در قرآن از این ویژگی پیامبر به‌عنوان «خلق عظیم» یاد می‌کند. درحالی‌که امروز از ضعف اخلاق رنج می‌بریم و دروغ و جاپلوسی و بی‌تفاوتی و… دارد جایگاه مهم‌تری از صداقت پیدا می‌کند. این در حالی است که حضور افراد صادی و مسئولیت‌پذیر

پیشنهاد

کودکی ناتمام

کیسو فغفوری

کودکی، این فیلم که مجموعه‌ای از تصاویر خاطره‌انگیز و گاه دلهره‌آور گذشته را در بر می‌گیرد، نشان می‌دهد چه روزهای پشت سر گذاشته شده تا به امروز برسیم و کودکان آن روزها و پدران و مادران این روزها چه تلاشی کرده‌اند تا کودکان‌شان به سرنوشت‌شان دچار نشود و کودکی کودکان‌شان ناتمام نماند. فیلم مجموعه‌ای است از روایت‌های بهترین شاعران کودک امروز که هرکدام دریچه‌ای را به گذشته باز می‌کنند، تحلیل می‌کنند و دنیای شعر کودک را می‌کشایند. توانایی صفاریان در مستندسازی و پژوهش و تسلط همکارش زین‌العابدین و حضورشان در چارچوب خانه و آشپزخانه این شاعران کودک سبب شده تا مخاطب لحظه‌ای خسته نشود؛ با اینکه در برابر بارش اطلاعات قرار می‌گیرد و در حجمی از خاطرات غرق می‌شود.

برادران امیدور در آمریکای لاتین

بسیاری از ما با نام اولین جهانگردان ایرانی یعنی برادران امیدور (عبسی و عبدالله) آشنا هستیم. آنان که از سال ۳۳ سفر به دور ایران و دنیا را با شعار «همه متفاوت، همه خوششانود» با موتورسیکلت آغاز کردند و در نخستین آسپایی‌ها که به قطب شمال و جنوب بروند، شاید دیدن یک فیلم سیاه‌وسفید ۵۵ساله که عبدالله آن را با کمترین امکانات ساخته؛ آن‌هم در روزگاری که با گوگل‌ارث و گلسی امکانات دیگر جهان را می‌توان از خانه دید، به نظر بعضی‌ها شاید جالب به نظر نرسد اما تجربه منحصربه‌فردی از سفر به کشور و

انتقال

به یاد پروفسور ریگو و همراهی‌اش با ایران در

دعای حقوقی

حقوق بین‌الملل در حرکت



● «مجموعه مقالات حقوق بین‌الملل در حرکت: چشم‌اندازهای جدید» عنوان ارج‌نامه‌ای است که در یاد پروفسور فرانسوا ریگو، حقوق‌دان نامدار، منتشر شده است که روزگاری در کنار حقوق‌دانان ایرانی در دعای حقوقی آمریکا علیه ایران، به یاری ایران برخاست. دکتر محسن محبی، حقوق‌دان برجسته ایرانی که خود از حقوق‌دانان سرشناس در دعای بین‌المللی ما است و از نزدیک با حقوق‌دانان برجسته خارجی از جمله پروفسور ریگو و آنتونیو کاسه‌سه و دیگران دوستی و همکاری داشته، در حق‌شناسی از همراهی پروفسور ریگو با وطنش، به همکاران بین‌المللی خود پیوسته و در کنار چندی دیگر از استادان خارجی حقوق بین‌الملل، مجموعه‌مقالاتی به یاد این حقوق‌دان برجسته تدارک دیده است. این کتاب، مشتمل است بر ۱۹ مقاله به زبان انگلیسی و فرانسه و به قلم نویسندگان ایرانی همچون استاد دکتر حسین صفایی و دکتر مصطفی محقق‌داماد و دیگران و نیز استادان خارجی حقوق بین‌الملل همچون استاد آلن پله (حقوق‌دان فرانسوی و وکیل ارشد خارجی در تیم حقوقی ایران در دو پرونده مطروحه علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری) و استاد وون لوو (استاد حقوق بین‌الملل اسکفورد و عضو تیم حقوقی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری). ارج‌نامه پروفسور ریگو پس از هفت سال که از درگذشت او می‌گذرد، در ۳۸۵ صفحه از سوی انتشارات دانشگاه لوآن بلژیک به چاپ رسیده و در ایران توزیع محدودی بین استادان حقوق داشته و هنوز در دسترس عموم قرار نگرفته است. نسبت پروفسور ریگو با حقوق ایران، حکایتی خواندنی دارد: هنگامه خطر دهه ۶۰ است و جنگ و جنون، خاورمیانه را به آتش کشیده است. برای رفع بخشی از خصومت‌ها و کشمکش‌های حقوقی با ینگه‌دنیـا، دیوانی برای داوری در پایتخت صلح جهان، لاهه برپا می‌شود به نام «دیوان داوری ایران–آمریکا». ماموریت این دیوان حل‌وفصل صدها و بل هزار پرونده‌ای است که پس از انقلاب اسلامی در دادگاه‌های آمریکا علیه دولت نوپای انقلاب مطرح شده و به توقیف میلیارد‌ها دلار از اموال ایران منجر شده است. تاسیس این دیوان، نتهتایی تجربه تاریخی در حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی به شمار می‌رود، بلکه یک فرصت حقوقی بین‌المللی را پیش‌روی حقوق‌دانان ایرانی گشود و آنان را با یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های حقوق بین‌الملل آشنا کرد. «دیوان داوری ایران و آمریکا با چنین حجمی از پرونده‌ها و با هینت ۹فتری داوران، بزرگ‌ترین دادگاه داوری تاریخ بوده و در آن قریب به چهار هزار پرونده علیه ایران مطرح شده است. پیداست که نخستین هماوردان این میدان حقوقی تازه، وکلا و حقوق‌دانان ایرانی بودند، اما مشارکت حقوق‌دانان ایرانی برای پیشبرد پرونده‌ها و دفاع از حقوق ایران به‌تنهایی کفایت نمی‌کرد؛ زیرا آنان که مقبولیت علمی و تجربی دارند، گاه در دید دولت وقت مشروع نیستند و آنان که مشروع‌اند گاه تجربه بین‌المللی کافی ندارند. ناگزیر ایران باید دست به دامن مشاوران و حقوق‌دانان خارجی می‌شد که شد. اما بیش از دو، سه نفر از آنان حاضر نشدند در این میدان حضور پیدا کنند، اما سرانجام استادی برجسته رادمرانه قدم پیش گذاشت و به کمک استادان و حقوق‌دانان ایرانی شتافت: پروفسور فرانسوا ریگو با همکاری استاد دیگری، پروفسور جو وروهون، تاز به داهل بلژیک، گفتفا که در قضیه نفت در دوران دکتر مصدق نیز –بنا بر گزارش غلامحسین مصدق– پیداکردن استادی برجسته که از حقوق ایران دفاع کند، دشوار بوده و برخی استادان نامدار حاضر نمی‌شدند چنین مسئولیتی را بپذیرند تا اینکه بالاخره یک دکتر مصدق قی از بلژیک به نام پروفسور رولن، به کمک استاد مصدق می‌آید. پروفسور فرانسوا ریگو، استاد برجسته حقوق بین‌الملل و عضو انستیتو حقوق بین‌الملل و استاد دانشکده حقوق دانشگاه لیوآن بلژیک است که روزگاری محمد بجاوی، حقوق‌دان برجسته الجزایری (رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری در دهه ۱۹۹۰) درباره آن گفت: «کتاب حقوق بین‌الملل پروفسور ریگو، سال‌هاست که بدیل و جانشین ندارد و به‌راستی ام‌الکتاب (Liver des livres) به شمار می‌رود». استاد ریگو آنچه از تجربه و دانش حقوق بین‌الملل در توان داشت سخاوتمندانه را اختیار ایران قرار داد. روزگاری دهه ۱۳۲۰ در دعای سکوهاای نفتی علیه آمریکا به‌عنوان قاضی ویژه ایران منصوب شد و نظریه او که ذیل رای دیوان آمد، افزون بر آنکه حاکی از تسلط ویژه او بر دو ساخت حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی است، نشان از همدلی عالمانه او با طرف ایرانی دارد. باری، ناگامی‌ها و کامیابی‌های بین‌المللی حقوقی ایران در دیوان داوری ایران–آمریکا و دفاع جانانه بر برابر سیل دعای و هزاران پرونده آمریکایی‌ها را باید در مجالی دیگر واکاوی کرد، اما تردیدی نیست که بخشی مهم از دساوردهای ایران در عرصه حقوق بین‌الملل، مروهون مشورت‌های عالمانه استادانی مانند فرانسوا ریگو به ایران است.

هفت‌نویشت

عبر از سال سخت

الهام فخاری

عضو شورای شهر تهران

می‌پرورند. شاید این واژگان چنین انگاره‌ای پدید آورد که خیالی می‌نویسم؛ ولی چنین نیست، به قدر سال‌های زندگی‌ام نوروزهایی بسیار گوناگون تجربه کرده‌ام که هم تلخی بوده و هم شیرینی، هم با خوششان و هم تنها، جنگ بوده یا آشتی، هم چالش و فشار بوده و هم رویش و سازندگی و بهبود. این‌همه گوناگون ولی گویی نوروزبودن این آیین مانند تابش خورشید بر زمین خسته، همواره جان‌بخش بوده است. از دستان حناپسته‌ای که تخم‌مرغ‌های رنگی پوست‌پازری را در دستان کودکانه ما گذاشت، دیگر نشانی جز سنگی بر آرامگاهی نیست و از عزیزی که به شوق دیدارشان و مجلس گرم‌کردن‌های آنها دید و بازدید رفته‌ایم، جز نامی و یادی نمانده است. باین‌همه آن جان نوشونده، آن پویایی رستن، راهلی از بند و بست‌های تلخی‌آفرین و آن نوروزبودن روزهای نو گویی جانی دیگر است که در کالبد فرسوده و روان رنجیده‌مان می‌تواند شوری دیگر برانگیزد و یاد رفتگان‌مان را گرمی بدارد. یک سال بسیار دشوار، سالی که بد بود و تارک، گذشت و در آخرین روزهای اسفند کم‌توانی مردم برای فراهم‌کردن بایسته‌ها و گرفتاری در چنبره نیازها تلخی این سال را بیشتر می‌کند. با آگاهی از این تلخی و رنج ولی از نوروز می‌نویسم که امید روشنائی ما است؛ نوروزی که جنگ و یورش همسایگان یا فشارها و چالش‌ها هرگز از نوزایی و تابندگی آن نکاسنه است. از نوروز می‌نویسم که گرمای امیدبخش مهر است؛ تابشی بر جان‌های خسته از مفاک مرگ و ناامیدی، از آیینی که ما را به یاری هم فرامی‌خواند، به در آتش افکندن پلیدی و ناپاکی و جشن مهربانی و باهم‌بودن در سراسر جهان است. گرچه تلخ‌کام، گرچه در چالش و فشار، و به نوشدن در کنار هم و به یاری هم باور دارم و از جان برای آبادی و سربلندی ایران و شادکامی و بهروزی ایرانیان می‌کوشم. خجسته است نوروز، به شادباش ایران و به پاس همدلی ایرانیان.

تحلیل

خیابان‌هایمان را پس می‌گیریم

محمود ملکی

پلیس لندن حمایت می‌کند، اما در عین حال خودش هم می‌گوید که وقتی شب‌ها در لندن قدم می‌زند، احساس ناامنی می‌کند. وزیر کشور به نمایندگان پارلمان هم این‌ نکته را به زبان دیگری گفته است؛ او در جمع نمایندگان پارلمان گفت که از روز جمعه تاکنون ۷۸هزار زن، تجریبات خود از تجاوز جنسی مردان به آنان را در پاسخ به یک پژوهش، با سایرین به اشتراک گرفته‌اند. او به اعضای پارلمان می‌گوید که نمی‌تواند کتمان کند که «شب‌ها هنگامی که در خیابان‌های لندن قدم می‌زنیم، نمی‌توانیم از صدای یاهایی که از پشت سر به ما نزدیک می‌شوند، نگران نباشیم». وزیر کشور در عین حال به پارلمان می‌گوید اگر برخورد پلیس خشن بوده است، چرا هیچ‌کدام از معترضان آسیب ندیده‌اند و اگر معترضان علیه پلیس دست به خشونت نزده‌اند چرا تعداد پلیس‌هایی که آسیب دیده‌اند به این میزان بالاست؟

به نظر می‌رسد توضیحات پاتل در پارلمان به قدری قانع‌کننده بوده که «کر استارمر» رهبر حزب کارگر هم در رمره افرادی قرار گرفته است که به استعفا ی رئیس پلیس لندن مخالفت کند. علاوه بر این، حمایت رهبر حزب مخالف از اقدامات افسرانی که در خط مقدم برخورد با معترضان بوده‌اند، حاکی از این است که حاکمیت به صورت متحد در بخشنه‌هایی با دستگیری چهار نفر از معترضان همراه شد، موضوعی که واکنش‌های متعارضی به را برانگیخت. اغلب رسانه‌ها از اقدام پلیس‌هایی که در خط مقدم مواجهه با معترضان قرار داشتند، به‌منظور صیانت از قانون منع جمععات، حمایت نسبی کردند، اما به برخورد خشن آنان با مردم و تاکتیک پلیس در دستگیری معترضان شاکای نه‌کردند.

مسئله اینجاست که رئیس پلیس لندن هم که درخواست‌ها برای استعفا ی او در این ماجرا بالا گرفته، خودش زن است و وزیر کشور، «بریتی پاتل»، دیگر مسئول دخیل در این ماجرا هم زن است. «دیم کریسیدا دیوگ»، رئیس پلیس، می‌گوید اکنون وقت استعفا ی نیست و اتفاقاً زمانی است که حضور یک زن در رأس پلیس لندن، حیاتی و تعیین‌کننده است. بوریس جانسون و پاتل، هر دو، از او حمایت کرده و گفته‌اند که لازم نیست وی استعفا دهد. روز سه‌شنبه، نخست‌وزیر اعلام کرد تدابیر تازه‌ای را برای حمایت از زنان در مقابل تجاوز جنسی اتخاذ کرده است. بر اساس تصمیم بوریس جانسون، از این‌ به بعد میخانه‌ها و کلوب‌های شبانه با پلیس‌های لباس شخصی کنترل خواهند شد تا ضمانت بیشتری برای امنیت زنان در شب‌های لندن وجود داشته باشد. علاوه بر این، بودجه‌ای که بر نصب و ارتقای دوربین‌های امنیتی در سطح شهر در نظر گرفته شده، دو برابر شده و به حدود ۴۵ میلیون پوند رسیده است. نخست‌وزیر می‌گوید در کنار این اقدامات حفاظتی لازم است که نظام قضائی محکم‌تری برای حمایت از زنان هم تدارک ببینیم. نکته جالب در این میان این است که اگرچه «بریتی پاتل»، وزیر کشور، از عدم استعفا ی رئیس

«بگذار نفکس یکشم» به خیابان‌های لندن آمده است، این‌بار پس از ربابیش و قتل یک دختر جوان انگلیسی در جنوب لندن به‌دست پلیس! هنوز چند ماهی بیشتر از مرگ جورج فلوید به دست پلیس در آمریکا نگذشته است که قربانی دیگری، روح کارزار «جان سیاهان مهم است» را در لندن زنده کرده است. این‌بار در لندن، مردم و فعالان مدنی به‌ویژه زنان به خیابان آمده‌اند و می‌گویند که می‌خواهند خیابان‌های شهرشان را از خشونت و تجاوز‌گران پس بگیرند؛ در کارزاری با همین اسم: «خیابان‌هایمان را پس می‌گیریم». اعلام آمار خشونت و تجاوز به زنان در هفته گذشته در بریتانیا هم را ششوک کرده است. رسانه‌های بریتانیا در هفته گذشته خبری را منتشر کردند که ۹۸ درصد از زنان بالای ۱۶ سال در بریتانیا، آزار و اذیت جنسی را تجربه کرده‌اند. آمار ی که چند روز بعد با خبر قتل «سارا اواررد»، خشم مردم را برانگیخت.

در روزهایی که براساس قوانین مقابله با کسرتش کووید۱۹ در بریتانیا، هرگونه گنجعی ممنوع است، زنان به خیابان‌ها آمدند تا یادبود سارا را برگزار کنند. پلیس لندن که در ماجرای قتل سارا متهم اصلی است، نتوانست بین حق زنان در تجمع برای برگزاری یادبود سارا و قوانین ممنوعیت تجمع، تعادلی برقرار کند و این تظاهرات در بخش‌هایی با دستگیری چهار نفر از معترضان همراه شد، موضوعی که واکنش‌های متعارضی به را برانگیخت. اغلب رسانه‌ها از اقدام پلیس‌هایی که در خط مقدم مواجهه با معترضان قرار داشتند، به‌منظور صیانت از قانون منع جمععات، حمایت نسبی کردند، اما به برخورد خشن آنان با مردم و تاکتیک پلیس در دستگیری معترضان شاکای نه‌کردند.

مسئله اینجاست که رئیس پلیس لندن هم که درخواست‌ها برای استعفا ی او در این ماجرا بالا گرفته، خودش زن است و وزیر کشور، «بریتی پاتل»، دیگر مسئول دخیل در این ماجرا هم زن است. «دیم کریسیدا دیوگ»، رئیس پلیس، می‌گوید اکنون وقت استعفا ی نیست و اتفاقاً زمانی است که حضور یک زن در رأس پلیس لندن، حیاتی و تعیین‌کننده است. بوریس جانسون و پاتل، هر دو، از او حمایت کرده و گفته‌اند که لازم نیست وی استعفا دهد. روز سه‌شنبه، نخست‌وزیر اعلام کرد تدابیر تازه‌ای را برای حمایت از زنان در مقابل تجاوز جنسی اتخاذ کرده است. بر اساس تصمیم بوریس جانسون، از این‌ به بعد میخانه‌ها و کلوب‌های شبانه با پلیس‌های لباس شخصی کنترل خواهند شد تا ضمانت بیشتری برای امنیت زنان در شب‌های لندن وجود داشته باشد. علاوه بر این، بودجه‌ای که بر نصب و ارتقای دوربین‌های امنیتی در سطح شهر در نظر گرفته شده، دو برابر شده و به حدود ۴۵ میلیون پوند رسیده است. نخست‌وزیر می‌گوید در کنار این اقدامات حفاظتی لازم است که نظام قضائی محکم‌تری برای حمایت از زنان هم تدارک

ببینیم. نکته جالب در این میان این است که اگرچه «بریتی پاتل»، وزیر کشور، از عدم استعفا ی رئیس